



چرا حکومت علوی در زمان امام رضا(ع) تشکیل نشد

اگر مأمون واقعاً می‌خواست امام را بر مسند خلافت مسلمانان بنشاند، پس چرا تأکید می‌کرد حضرت برای رفتن به خراسان از راه کوفه و قم نرود؟! او به خوبی می‌دانست که در این دو شهر مردم آمادگی داشتند که شیفته امام شوند.

اگر مأمون واقعاً می‌خواست امام را بر مسند خلافت مسلمانان بنشاند، پس چرا تأکید می‌کرد حضرت برای رفتن به خراسان از راه کوفه و قم نرود؟! او به خوبی می‌دانست که در این دو شهر مردم آمادگی داشتند که شیفته امام شوند.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، در کتاب‌های تاریخی می‌خوانیم که مأمون نخست پیشنهاد خلافت به امام کرد ولی امام شدیداً از پذیرش آن خودداری کردند. مدت‌ها مأمون می‌کوشید که امام رضا را قانع کند ولی موفق نمی‌شد.

می‌گویند این کوشش‌ها به مدت دو ماه در مرو ادامه یافت که امام همچنان از پذیرفتن پیشنهاد وی امتناع می‌ورزید تا سرانجام امام از هر سو زیر فشار قرار گرفت که آنگاه با نهایت اکراه و درحالی که از شدت درماندگی می‌گریست مقام ولیعهدی را پذیرفت.

حال این سؤال مطرح می‌شود که چرا امام رضا(ع) خلافت را قبول نکردند تا حکومت علوی تشکیل شود و حکومت عباسی پایان پذیرد؟

در پاسخ به این مطلب، دو سؤال دیگر مطرح می‌شود:

- 1 - آیا مأمون مقام خلافت را به طور جدی به امام عرضه داشت؟
- 2 - در صورت جدی نبودن این پیشنهاد اگر امام جواب مثبت به او می‌داد و خلافت را می‌پذیرفت مأمون چه موضعی را می‌خواست اتخاذ کند؟!

حقیقت این است که تمام قرائن و شواهد دلالت بر جدی نبودن این پیشنهاد دارند زیرا مأمون مردی بود بسیار شیفته و تشنه حکومت تا آنجا که دستش به خون برادر خود آلوده شد، برادرش امین را کشت حتی فرماندهان خود و دیگران را نیز به قتل می‌رسانید و باز برای رسیدن به مقام آن همه شهرها را به ویرانی کشانده بود دیگر قابل تصور نبود که همین مأمون به سادگی دست از خلافت بردارد و بیاید به اصرار و خواهش آن را به کسی واگذارد که نه در خویشاوندی مانند برادرش امین ص به او نزدیک بود نه در جلب اطمینان به پای وزرا و فرمانده‌اش می‌رسید.

آیا می‌توان از مأمون پذیرفت که تمام فعالیت‌هایش از جمله قتل برادر همه به خاطر مصالح امت صورت می‌گرفت و او می‌خواست که راه خلافت را برای امام رضا(ع) باز کند؟

اگر مأمون به راستی می‌خواست امام را بر مسند خلافت مسلمانان بنشاند پس چرا تأکید می‌کرد که برای رفتن به خراسان از راه کوفه و قم نرود؟! او بخوبی می‌دانست که در این دو شهر مردم آمادگی داشتند که شیفته امام شوند. امام به خوبی می‌دانست که قصد مأمون ارزیابی نیت درونی اوست یعنی می‌خواست بداند آیا امام براستی شوق خلافت در سر می‌پروراند که اگر اینگونه است هرچه زودتر به زندگی‌اش خاتمه دهد.

آری این سرنوشت افراد بسیاری پیش از این بود مانند محمد بن محمد بن یحیی بن زید، محمد بن جعفر، طاهر بن حسین و دیگران... اصلاً مأمون می‌خواست پیشنهاد خلافت را زمینه‌ساز برای اجبار بر پذیرش ولیعهدی نماید پس نتیجه می‌گیریم که مأمون هرگز در پیشنهاد مقام خلافت جدی نبود ولی در پیشنهاد مقام ولیعهدی چرا.

پاسخ سؤال دوم:

روشن است که اگر امام رضا(ع) در آن شرایط خلافت را می‌پذیرفت مأمون و دیگر عباسیان ساکت نمی‌نشستند تا نظاره‌گر

اوضاع باشند بلکه در برابر از دست دادن قدرت و حکومت به شدیدترین واکنش‌ها دست می‌یازیدند.

اینکه مأمون خلافت را به امام رضا(ع) عرضه می‌داشت معنایش آن نبود که خود از هر گونه امتیازی چشم پوشیده باشد و دیگر هیچ گونه سهمی در حکومت نمی‌طلبید بلکه برعکس برای خود مقام وزارت یا ولیعهدی امام را در نظر گرفته بود مأمون می‌خواست امام را بر مسند یک مقام ظاهری و صوری بنشاند و خود در باطن تغزیه گردان صحنه‌ها باشد.

در این صورت نه تنها ذره‌ای از قدرت‌ش کاسته نمی‌شد که موقعیتی نیرومندتر هم می‌یافت. مأمون در زیرکی نابغه بود و نقشه تفویض خلافت به امام به منظور رهانیدن مقام خود از هر گونه آسیب پذیری طرح شده بود او می‌خواست از علویان اعتراف بگیرد که حکومتش قانونی است و بزرگترین شخصیت علویان (امام رضا(ع)) را در این بازی و صحنه سازی وارد کرده بود.